پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل وششم) دوشنبه ۱٤دلو ۱۳٤۷ - ۳فبروری ۱۹۶۹

ببرک کارمل

وطن وجامعهٔ خود را بشناسیم!

ظلم فئودالی ، عقب ماندگی‌اقتصادی وفرهنگی‌وتفتین‌استعماری، سالیان متمادی مانع آن گردید که تئوری مترقی در وطن ما گسترش‌یابد . تنها پس از چندین ده سال‌تحمل رنج و مشقت است که‌اکنون افغانها راه نوآموزی و خودآموزی را می پیمایند، علی‌رغم تعقیب و دشمنی وحشیانه نیرو های ارتجاعی به‌مطالعهٔ‌تئوری‌مترقی میپردازند .

تجربهٔ پیشروان دنیای نوین‌نشان دادکه واقعا «بدون تئوری‌انقلابی ، نهضت انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد » و « نقش یك مبارزپیش آهنگ را فقط حزبی میتواند ایفاء کند که با تئوری مترقی‌رهبری‌شود » ویا به عبارت عام تر، این‌تئوری است که رهنمای عمل قرار میگیرد .

از اینجاست که یکی از وظایف‌جدی ما ، یعنی فراگرفتن تئوری‌پیشرو و آموختن جهانبینی علمی مطرح میگردد . هیچ عنصر انقلابی‌نمیتواند در اهمیت این وظیفه‌تردیدی بخود راه‌دهد ،زیراجهانبینی علمی زحمتکشان ، ایدئولوژی‌سوسیالیزم علمی محصول دوران‌تاریخی نوین است و بصورت‌روز افزون بر عقول واذهان بشریت‌مترقی نفوذ کرده و از بوته‌آزمایش تاریخی برآمده است . بهمین جهت است که اکنون درکشورمانیز حتی ارگانها و «احزاب»نو تشکیل دست راستی و به اصطلاح «وسط و چپ نما » نام«سوسیالیزم» را در مرامنامه‌های خود می گنجانند در حالیکه دیروز بردن نام آن «کفر» تلقی‌میگردید .

این تلقیات نوین چرا؟ بدین‌مناسبت که اساساً همه راه های‌دیگر آزمایش شده و همه به عدم موفقیت منجر گردیده است و تعالیم‌ومکاتب قدیم وبورژوائی نتوانستندو اصولا نمیتوانند به مسایلی که زندگی مطرح میسازد جواب علمی‌بدهند. معهذا اگر ارتجاع داخلی‌و امپریالیستی این حقیقت رانمی‌پذیرند ومیخواهندبا دروغ وافترأ‌اندیشه‌های‌عالیه سوسیالیزم علمی‌راالکه دار سازند و از سرمایه داری دفاع کنند ، ازین روست که نمی‌خواهند سرنگون شوند .

برای توده های وسیع خلق قبول و آموختن جهانبینی علمی زحمتکشان و قبول ایدئولوژی پیشرو عصر ما بمثابه اسلحه و قطب نمای نجات بخش میباشد اما برای دار و دسته محافل‌حاکمه ارتجاعی کشور ما چیزی هلاکت‌بار و غیر قابل تصورت است .

ولی باید در نظر داشت که آموختن جهان بینی علمی زحمتکشان هیچگاه بمعنی از بر کردن و قرائت‌اصول کلی آن‌و ساده کردن موضوعات پیچیده و اعتقاد جامد، خشك و مجرد به قوانین عام آن نیست . چنین آموزش نه تنها نمیتواند برای پیگارجویان‌رهنمای عمل جنبش انقلابی باشد ،بلکه در بسا موارد جنبش از آن لطمه های سنگینی می بردارد . وظیفه عناصر پیشرو و مترقی اینست که قوانین مشخص جامعهٔ خویش را درك نمایند واصول واحکام کلی جهان بینی علمی را بر شرایط عینی وطن خود تطابق دهند . اشتباه عظیم خواهد بود اگر نقل‌قولهاوفورمول‌های حفظ شده، اندرز ونسخه هائی از اصول کلی جهان بینی علمی و یك شکل واحد رشد وانتقال این و آن کشورمعین‌سوسیالیستی و جنبش کارگری و سوسیالیزم نوشت و آنرا برای هر زمان‌ومکان مطلق ساخت و مفید تلقی کرد . «کسیکه میخواهدبرای کارگران نسخه‌ای از خود اختراع کند که برای کلیه موارد زندگی ،تصمیمات قبلا حاضر و آماده ایرا در بر داشته باشد ...وی را باید صاف و ساده شارلتان نامید » (بیماری کودکی ...) .

جهان بینی علمی‌خلاق‌میگوید که‌باید راه های نامنکشف هر کشور را خود عناصر پیشرو و ترقیخواه آن کشور توأم با استفاده از قوانین عام تئوری تکامل اجتماعی کشف کنند ، و بر مبنای آن نسخه علاج آنرابنویسند ،تمایزات وخصوصیات اجتماعی، ملی ودولتی خودرا درشیوه های‌مشخص‌کشورخود تحقیق، بررسی تفحص ودرك کنند .

برای ایفای این ماموریت تاریخی است که ما باید اولتر از همه به تحقیق و مطالعه همه جانبه

(ص۲)

روغتیا او پوهنه

(د اساسی قانون ۳٤ او ۳٦ ماده)

په پرچم کی مو دروغتیا او پوهنی‌په باب ډیر بحث کړیدی . دلته زموږ مقصد دروغتیا اوپوهنی په هکله داساسی‌قانون د(۳٤)او (۳٦)مادی دتطبیق په باب یوه‌لنډه یادونه ده .

د دولت په مجموعی بودجه کی، تر ټولو کمه بودجه دروغتیا او پوهنی بودجه ده . مگر له بده مرغه ددی فقیری بودجی زیاته برخه، دناوړه استفادی او بی ځایه لگښتونو له لاری ، په تشکیلاتی تورم‌کی ضایع کیږی . دهیواد په هیڅ یوه کلی او ولسوالی کی ، اصلا روغتون، داکتر او درملتون موجود ندی . دهیواد دکلیوالو اتفاق ته نیږدی اکثریت تر اوسه دپوهنی او ښوونځی‌په مفهوم نه پوهیږی .

دافغانستان بزگران پوهیږی چه دولت د مالیی مامور، داحصائیی مامور ، حاکم (ولسوال)، ژاندارم ، پولیس اوزندان لری ، مگرښایی د خلکو یو کوچنی اقلیت خبروی‌چه دافغانستان حکومت دروغتیا اوپوهنی په نوم هم وزارتونه لری . اوداځکه چه یوازی دحاکمه طبقی نازولی او دهیواد دنفوسو دمتوسطو طبقه څو محدود کسان، هغه هم په مرکزاوڅو محدودو ښارونو کی له پوهنی او روغتیا نه برخوردار دی .

د اساسی قانون په ۳٤ ماده کی ویل کیږی :«تعلیم دافغانستان دټولو وگړو حق دی او دافغانستان ددولت او اتباعوله خوا وړیا برابریږی .

پدی برخه کی ددولت هدف‌یوی داسی مرحلی ته رسیدل دی چه دافغانستان دټولو وگړو دپاره پکښی دقانون دحکمونو سره سم دښوونی اوروزنی مناسبی‌آسانتیاوی راغونډی شی . دولت مکلف دی چه په ټول افغانستان کی دپوهنی د متوازن تعمیم دپاره مؤثر پروگرام وضع او تطبیق کړی .

د ښوونی او روزنی لار ښودنه او څارنه ددولت وظیفه ده .

لومړنی ښودنی دټولو ماشومانو دپاره په هغو ځایونو کښی چه وسیلی یی ددولت له خوا برابری شوی وی حتمی دی . »

د اساسی قانون ددی‌مادی‌دتطبیق او د متوازن معارف دلومړنیو حتمی تعلیماتو او نورو په موردکی (چه دحکومت دنطاقانو چیغی ناری‌دهغوی له کار سره پدی زمینه کی په‌هیڅ توگه دمقایسی وړندی) باید دوه‌عمده موضوع گانی وړاندی شی :

لومړی داچه : ترڅو دافغانستان دخلکو عمومی وضعه له اقتصادی او اجتماعی لحاظه ښه نشی، د پورتنیو مطالبو تطبیق ممکن ندی . داځکه‌چه هغه فقیراو ناداره کارگر او بزگر چه تل دیوی گولی ډوډۍ په‌پیداکولوکی ډوب دی او دخپلو بچیانو دنجات لپاره خپل وروستنی قدرت په کار اچوی اونشی کولی چه خپل‌ماشومان ښوونځی ته واستوی ، څنگه کولی شی داساسی قانون له پورتنی مادی نه دځان او دخپلو رنځورو اوغریبو ماشومانو په گټه استفاده وکړی .

دافغانستان په کلیوکی هلکان او نجونه له خپلوپلرواو میندو سره په

(۲مخ)

سلطانعلی کشتمند

وضع اقتصادی زحمتکشان

افغانستان

-۲-

زحمتکشان و مشکل سر پناه :

مسکن اکثریت مطلق خانواده های کثیرالاولاد دهقانی ومزدوران زراعتی را غالباً یك کلبهٔ بیغوله یا مغاره مانند گلین یا حصیری یك «اتاقه » تشکیل میدهد که معمولا با بعضی حیوانات خود یکجا در آن بسر می برند . در مناطق دور افتادهٔ کشور هنوز مردم در مغاره ها و پناه محافظ طبیعی بسر می برند و حتی پوست بز میپوشند .

مسألهٔ اسکان کوچی ها همان طور لاینحل باقیست ، بجز عدهٔ محدودی از خوانین و مالداران بزرگ که از طریق استثمار وحشیانه زحمتکشان کوچی، قاچاق‌بری‌وغیره ثروتهای بزرگی‌اندوخته اند ، دیگران این عدهٔ آواره که‌تعداد شان بیشتر از دو ملیون و نیم میشود در شرایطی بسیار ناگوار و غیر انسانی بسر میبرند و شدیداً مورد استثمار قرار میگیرند . عده بیشتر شان در تمام فصول سال به کار های طاقت فرسای درو گری (لو گری)ودیگر کار های مزدوری زراعتی ،چوپانی و غیره در برابر مزد فوق العاده ناچیز بکار میپردازند . کوچیها از لحاظ مسکن به بد بختی بزرگی دچار اند ، خانواده های ده ـپانزده نفری اینان در یك غژدی (خیمه‌ایکه از موی بز توسط خود ایشان‌بافته میشود) ، «زندگی »می نمایند و عملا از نعمت معارف و صحت محروم اند .

عجیب است که هیأت حاکمهٔ ارتجاعی کشور بی توجهی درامر اسکان کوچی ها را بغرض‌فریب مردم می خواهد در لابلای الفاظ میان خالی بپوشاند ، فراوان در نشرات حکومتی از مزایای« زندگی

(ص ٤)

دکتور اناهیتا

جنگ یا صلح

مرگ یا زندگی

از هیچکس پوشیده نیست که امپریالیزم از طریق حمایت از سیاست صیهونیت در شرق میانه و مداخلهٔ مستقیم در ویتنام ودیگر کشور های جنوب شرق آسیا ، از طریق اغماض دوستانه در برابر سیاست تبعیضی حکومتهای‌اقلیت نژاد پرست افریقای جنوبی و رودیشیا وایجاد کودتا های نظامی و تحریك نیرو های ارتجاعی علیه دولتهای جوان بیطرف در قاره های آسیا و افریقا و حوصله نشاندادن رفیقانه در برابر ظهورمجدد فاشیزم و تقویهٔ نیرو های انتقام جو درمرکز اروپا ، صلح جهان راجداً به خطر مواجه ساخته است .

اگر هوشیاری حفظ نشود و نیرو های صلح آگاهانه جلواین‌تحریکات، دسایس و تجاوزات امپریالیستی را نگیرند ، امکان آن وجود دارد که‌در هر لحظه آتش جنگیکه ساحه های وسیع تر و بالاخره تمام جهان را در بر گیرد مشتعل شود ، و تمدن بشری را با تمام پدیده‌های آن در خود ببلعد ، و جهان زیبای ما به گورستانی تبدیل شود .

صلح و امنیت نسبی که‌درجهان وجود دارد ، به هیچصورت صلح و امنیتی‌نیست که بر پایه های مستحکمی استوار باشد . پرابلم های ناشی از جنگ دوم جهانی‌بحال خود باقیست و آبستن خطرات جدیدی برای صلح جهان می‌باشد. سیستمی که به غرض استقرارصلح در اروپا در کنفرانسهای یالتا و پوتسدام طرح گردیده بود ، موفق نشد پرابلم های‌ناشی‌از جنگ‌عمومی دوم را در اروپاحل کند. احیای‌مجدد فاشیزم که باری چهل ملیون انسان را قربانی هوس مجنونانه جهان گیری نمود و صحنه‌های فجیع کوره های آدم سوزی و کامپهای جهنمی اسیران آن‌هنوز فراموش نشده است، سعی برای بر هم زدن وضع موجود (ستاتسکو) در اروپا ، تلاش‌برای شریك ساختن المان غرب درذخایر سلاح ذروی ، کوشش المان غرب برای دست یافتن به سرحدات‌قبل از جنگ و عدم شناسائی جمهوری دموکراتیك المان ، پرابلم‌هائیست که حامل خطر جدید برای صلح اروپا و جهان می باشد . تماس بسیار نزدیك نیرو های دو پیمان بزرگ نظامی ناتو وو ارسا باذخایر عظیم سلاح ذروی که هردو پیمان در اختیار دارند ودر پهلوی آن تحریکات امپریالیستی ،بزرگترین تهدیدیست برای صلح و سلام گیتی .

جلوگیری از وقوع فاجعهٔ‌تباهکن اتومی و نجات بشریت ایجاب می‌نماید که کلیه افراد نیرو های‌صلح در یك‌جبه‌واحد ضد امپریالیزم و ضد جنگهای امپریالیستی متحد گردند ،دسایس و تحریکات امپریالیزم را افشاء وخنثی‌سازند. چه هرگاه جنگی در جهان واقع شود از نظر وسعت و ضایعات بی سابقه خواهد بود، نخستین بم اتومی ایکه امریکا بر شهر هیروشیما پرتاب کرد، تقریبا دو صد هزار نفر را به قتل رسانید. قرار یك تخمینیکه در سال ۱۹۶٤ از طرف دانشمندان بعمل آمده از ذخایر موجود آنوقت سلاح ذروی شانزده ملیون بم اتومی تیپ بم‌هیروشیما ساخته می شود و اکنون ما در ده روز اول ماه دوم سال ۱۹۶۹ می‌باشیم ، مقدار سلاح ذروی که از ۱۹۶٤ تاحال ساخته شده،با ضافه ذخایر قبلی انبار عظیمی از مرگ و تباهی را تشکیل میدهد که هرگاه مورد استعمال قرار داده شود ، نه تنها کشور ها بلکه قاره ها بویرانه مبدل خواهد شد . هیچکشورو حتی هیچگوشه جهان از ساحهٔ تاثیر مرگبار آن خارج مانده نمیتواند .

از آنرو تأمین صلح‌و جلو گیری از جنگ امروز یك موضوع اخلاقی نبوده، بلکه برای بسیاری از کشور های جهان یك مسألهٔ مرگ وزندگی است .

کشورهای جوان و نو به‌استقلال رسیده آسیا و افریقا و همچنان کشور های امریکای لاتین که بنا بر دوره های طولانی تسلط استعمار از نظر اجتماعی و اقتصادی ازکاروان تمدن بشری بسیار عقب مانده اند واستعمار نو می کوشد این عقب ماندگی آنها را دایمی سازد، برای رفع پس مانیهای خود به صلح وپول ضرورت دارند ،در حالیکه تنها مصارف نظامی ایالات متحدهٔ‌امریکا در ۱۹۶۹ به ۱۵۰۰ ملیون دالر بالغ خواهد شد و مصارف نظامی چهارده کشور عضو پیمان ناتو از ۱۰۰۰۰۰ ملیون دالر تجاوزخواهد کرد .

کشور های پیشرفته برای حفظ ثروتهای مادی و معنوی خویش که محصول رنج قرون متمادی ومولود دست ، دماغ و نبوغ مردم کارگر است ، به‌صلح نیاز مندند ،ازهمین جهت‌صلح برای‌همه بشریت ، جز آن نیرو های ارتجاعی که‌موقتا از جنگ سود میبرند ، شعار و خواست عمومی است ، بدون برآوردن این خواست عمومی بشری استقرار یك صلح دائمی و دست آورد های بشر همیشه در معرض تباهی خواهد بود وترقی آرزوی بسر نارسیده .

در اوضاع کنونی که سرنوشت

(ص۳)

باید علیه رشوه، اختلاس

واسراف بمثابه شعار روز مبارزه کرد

در دستگاه‌دولت افغانستان اصلا از«سیستم صرفه‌جوئی» خبری نیست.رشوه، اختلاس واسراف وبیروکراتیزم هرروز مانند موریانه ماشین دستگاه دولت رامی خورد .

مطابق به‌تخمینات‌درست متخصصان مالی حداوسط نصف بودجه دولت، یعنی دسترنج خلق افغانستان‌بهدر مصرف میگردد .

به‌این معنی که یامورد سوء استفاده، رشوه واختلاس واسراف قرار میگیرد ویا غالباً مصارفیکه صورت می گیرد ،بدون حاصلدهی بشکل راکد در می آید که صدها پروژه ساختمانی و صنعتی مبین ادعای ماست .

وظیفه فوری، عاجل‌و ضروری تمام تحول طلبان کشور است که پرچم‌مبارزه‌وافشاگری‌راعلیه‌رشوه، اختلاس ، اسراف وبیروکراتیزم دردستگاه دولت برافرازند وبر اساس حقایق وارقام ، اسراف درمصرف پولی ، موادخام ومواد مصرفی‌را برملا سازند واز شعار صرفه‌جوئی‌در تمام رشته های اقتصادی ودرادارات دفاع کند .

دادن این شعار نه تنها برای کشور فقیرما دارای ارزش مهم اقتصادی است، بلکه‌از لحاظ‌مبارزه روزمره علیه بیروکراسی وافشای آن دارای اهمیت سیاسی نیز می باشد .

درمیان ماموران دولت، بخصوص ماموران عالیرتبه دولت بصورت سنتی بی رحمی وبی اعتنائی‌دربرابر پول ومال دولت ،بحد اعلای خود رسیده است . این بیروکراسی فاسد اصلا فاقد عاطفه دربرابر خلق‌است وفقط بدنبال کسب شهرت ونفع شخصی روا نیست .

امروزافغانستان فقیروعقب مانده هر چه زود تر خواستارساده‌کردن دستگاه‌اداری ،پشتکاروصرفه‌جوئی وایجاد کادرهای فعال برای امور تولیدی ودستگاه های تولیدی‌می باشد .

(پژوهنده)

پرچم

د افغانستان د خلک د موکراتیک افکارو خپروونکی

۱٤ دلو ۱۳٤۷

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

ضربه دیگری بر استعمار

کنفرانس پشتیبانی از مردم‌مستعمرات پرتگالی و جنوب‌افریقا که در اثر ابتکار سازمان اتحادافریقا و شورای جهانی صلح در خرطوم (مرکز سودان) دایر شده بود ، به تاریخ ۲۰ جنوری پایان یافت . در ختم کنفرانس اعلامیه ئی‌نشر و درآن گفته شده است که شاملین کنفرانس وضع کنونی‌افریقا را کاملا تحلیل و پلانهای موثری به غرض سفر بر کردن‌تمام نیرو های مترقی ، بخاطر کمك فعال به جنبش آزادیبخش‌قارهٔ افریقا طرح کردند . در این کنفرانس نمایندگان بیش از پنجاه‌کشور اشتراك ورزیده بودند .

روحیه ایکه بر کنفرانس حکم‌فرما بود نشان میداد که اشتراك کنندگان مصمم اند به استعمار واستعمار جدید در افریقا جواب‌دندان شکن بدهند . وحدت کلیه نیروهای‌مترقی ودیموکراتیك افریقاضرورت روز است و کنفرانس خرطوم گامی‌بود ، به پیش دراین جهت .

به تاریخ ۲۵ جنوری مطابق به‌پنج دلو کنفرانس بین المللی پشتیبانی از مبارزه اعراب درقاهره‌دایر گردید .

امروز جهان عرب‌در پیشاپیش‌مبارزه ضد امپریالیزم قرار دارد. رژیم های دموکراتیك انقلابی که‌در کشورهای‌عربی بظهور می آیندمی‌توانند به حیث مثال برای دولتهای‌جدید افریقایی خدمت کنند . اعراب بحق معتقد اند که باید مبارزه علیه‌امپریالیزم و استعمار نوین ودر نتیجه به خاطر سوسیالیزم به‌صورت مشترك از طرف تمام نیرو های مترقی افریقا و آسیا پیش‌برده شود .

امپریالیزم در مبارزه علیه‌اعراب‌از اسرائیل بحیث وسیله استفاده می نماید ، امروز نیرو های‌امپریالیستی اسرائیل را بغرض تخریب قوتمندی و طن پرستی‌و بیداری ملی در جهان عرب استخدام نموده اند .

کمیتهٔ مرکزی‌حزب‌کمونست امریکاطی پیامی که به شانزدهمین کنگره حزب کمونست اسرائیل‌فرستاده است، از اعمال امپریالیزم امریکا در اسرائیل شدیدا انتقادنموده واین رویه غیر انسانی‌حکومت اسرائیل را خلاف موازین انسانی‌خوانده و تقاضا کرده اند تا عساکر اسرائیل هر چه زود تر از مناطق‌اشغالی اعراب فرا خوانده شوند. در پیام گفته شده که این‌سیاست‌اسرائیل منجر به نابودی خود اسرائیل خواهد شد ، ماسیاست‌غیر انسانی اسرائیل را شدیدا محکوم می‌سازیم. درپیام از مبارزه‌شجاعانه حزب کمونست اسرائیل به‌مقابل حکومت آن‌ستایش گردیده‌است .

در ویتنام جنوبی

آژانس خبر رسانی جبههٔ آزادی‌بخش ملی از ویتنام جنوبی اطلاع میدهد که نیرو های آزادیبخش ملی‌درسال ۱۹۶۸ در ایالت میتو ،دلتای میکانگ ۳٤۰۰ عملیات جنگی‌علیه قوای امریکا و حکومت سیگون اجرا کردند . به شمول ۸۰۵۰ نفرافراد امریکائی ۲۵۰۰۰ عسکر دشمن کشته یا زخمی شدند، دراثنای این عملیات ، نیرو های‌آزادی بخش ملی به شمول ۱۶۷ تانك‌ووسایل ثقیلهٔ زرهدار ، ۶۰۰عرادهٔ نظامی را از کار انداختند ، ۱۱۰کشتی جنگی دشمن را غرق یا خسارمند ساختند ، ۱۵٤ عدد طیاره را سر نگون یادر میدانهای هوائی از بین بردند و مقدار زیادی‌اسلحه و تجهیزات نظامی دشمن را به غنیمت گرفتند .

جنایات درامریکارو به افزایش است

دیرکسن رهبر جمهوری‌خواهان‌در مجلس سنا ، بعد از یك ملاقات با ریچارد نکسن اظهار داشت که‌پریزدنت نکسن برای مبارزه علیه جنایات تخصیصیه های اضافی در خواست می نماید . پرابلم جنایات در امریکا بطور بی سابقه‌ئی‌کسب وخامت نموده است . ښاغلی نکسن در یك کنفرانس مطبوعاتی‌اعتراف‌کرد که گشت و گذار در پای‌تخت ایالات متحده ودربعضی ازشهر های بزرگ‌دیگر آن ،بخصوص در اثنای شام مصئون نیست .نیو یارك تایمز واشنگتن را شهر ترس و جنایت خوانده است .

اعدام جاسوسان اسرائیلی دراعراق

حکومت اعراق (۱٤) نفررا بجرم‌جاسوسی برای اسرائیل غرغره کرد ، ازین جمله (۹) نفر یهودبودند .

اعدام این جاسوسان در برخی‌از ممالك غربی موجب نگرانی هائی شد .در لندن مظاهراتی در برابرسفارت عراق صورت‌گرفت وحکومت عراق نسبت به این امر برانگلستان‌احتجاج کرد .

وزیرخارجه المان‌شرق در جمهوریت متحدعرب

اوتو ونزر وزیر خارجهٔ المان‌شرق مذاکراتش رابا محمود ریاض وزیر خارجهٔ جمهوریت متحد عرب‌آغاز کرد .

طرفین وضع شرق میانه را درروشنی امتناع اسرائیل از تطبیق فیصلهٔ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ شورای‌امنیت و موقف المان غرب که به اسرائیل در تعرضش علیه کشورهای عربی همه جانبه امداد مینماید، جانبین روابط متقابل بین‌جمهوریت‌دموکراتیك المان و جمهوریت متحد عرب را مورد بحث قرار داده ، باین‌نتیجه رسیدند که جمهوریت دموکراتیك المان قونسلگری خودرا در سکندریه افتتاح نماید وجلسه کمیتهٔ مشترك اقتصادی در برلین‌در مارچ ۱۹۶۹ تشکیل گردد .

اعتصابات و تظاهرات

جاپان : بار دیگر زدو خوردبین پولیس و محصلین در توکیو رخ داد واز طرفین ۹۷ نفر زخمی‌شدند ، محصلین خواهان‌لغو قرار‌داد نظامی و تخلیه پایگاه اوکیناواز جانب امریکائیان بودند .

امریکا : محصلان پوهنتون‌کالیفورنیا از سه ماه به‌اینطرف دست به اعتصاب زده ، خواهان‌ریفورم درسی درپوهنتون می‌باشند.

هسپانیه : پولیس فرانکو باردیگر برمظاهرچیان حمله نموده وتاکنون ۹۰۰ نفر دیگر را زندانی‌ساخته است . درین مظاهره علاوه بر محصلان ، کارگران ، روحانیون‌وغیره نیز اشتراك نموده بودند .

وزیر داخلهٔ رژیم فرانکو اعلام‌کرد که: «باید زندانهای جدید تهیه شود ». ولی‌مردم هسپانیه فیصله‌نموده اند که بمبارزات خود علیه دکتاتوری ادامه بدهند .

ایتالیا : اتحادیه های بزرگ‌کارگری در ایتالیا فیصله کردند که در هفتهٔ آینده برای بیست‌وچهارساعت دست به اعتصاب بزنند . آنها خواهان دستمزد بیشتر اند .

ترکیه: اخیراً کارگران فابریکه‌های‌نساجی ترکیه دست به اعتصاب

په ټول پاکستان کی سخته ناکراری روانه ده

دنړۍ دخبر رسولو آژانسونه خبرو ر کوی چه‌داستبداد اوفردی دکتاتوری په ضد دخلکو پر له‌پسی مظاهراتو په‌پاکستان کښې ډیر شدت موندلی‌دی . دپاکستان حکومت ده‌ظاهرو دمخنیوی په غرض له تشددنه کار اخلی .

دپولیسو د ډزو په‌اثر له‌دوولسو تنو زیات کسان وژل شوی او په لسگونو کسان ټپیان شوی‌دی . په سلگونو مظاهرچیان بندیان‌او په ډیرو ښارونو کی‌دشپی‌گرزیدلو قیود وضع شوی‌دی . ویل کیږی چه‌د پښتونستان په‌مرکز پیښور او نورو ښارونو کښی ده‌ظاهرو دشدت له کبله فوجی‌حالت اعلان شوی‌دی . دپاکستان حکومت خپل زیات شمیر عسکر د پښتونستان او لویدیځ پاکستان نورو بحرانی سیمو ته لیږدولی‌دی. دپاکستان په ځینو ښارونو کښی‌تگ‌اوراتگ ځنډول شوی دی . د پاکستان په (پارلمان) کی دحکومت په تشدد آمیزه رویه باندی‌سخت‌اعتراضونه وشول. یو شمیر وکیلانو غوښتل‌چه قضیه په «پارلمان» کی تر بحث لاندی ونیسی خو«پارلمان» رئیس هغوی‌ته له «پارلمان» څخه دوتلوامر وکړ او وکیلانودهغه امرونه مانه.

به‌صنایع کوچک باید توجه کرد

زراعت را باید رشد داد

نظر پرچمداران دموکراتیك خلق افغانستان راجع‌به رشد وتکامل زراعت‌و صنایع کوچك چیست؟ این سوالیست که یکی‌ازخوانندگان پرچم طرح‌کرده است وپاسخ آن در زمینه چنین است :

محافل حاکمه کشور باهواداری امپریالیزم ،نه تنها در کار ایجاد صنایع ثقیل ومتوسط بلکه علی رغم ادعای فراوان شان به حمایه ، رشد وتکامل زراعت وصنایع کوچك نیز بصورت قطع توجه لازم مبذول نمیدارند .

تاجائیکه به خط مشی اقتصادی‌ما تعلق دارد ، صنایع ثقلیل و متوسط در مرکز ساختمان اقتصادملی کشورما باید قرار گیرد.ولی‌درعین حال هیچگاه نظر مااز رشد وتکامل زراعت و صنایع سبك واستهلاکی در کشور ، چه‌در شرایط کنونی وچه در آینده در شرایط جامعه مترقی ونوین‌که باید در راه ایجاد آن مبارزه کرد، دور نمی باشد .

بمنظور رشد سریع اقتصادی و ایجاد اقتصادملی‌باید‌صنایع‌وزراعت بصورت متوازن وهمزمان با یکدیگر رشد وتکامل کنند . زیرادرینصورت است‌که صنایع موادخام‌وبازارفروش پیدا میکند وهم‌سرمایه‌بیشتری‌برای ایجاد صنایع ثقیل ومتوسطتدارك میگردد. به این ترتیب‌از یکسورشد وانکشاف زراعت برای صنایع‌ثقیل بازار فروش تهیه میکند واز جانب دیگر با ایجاد صنایع ثقیل، میکانیزه کردن ومدرنیزه کردن تدریجی زراعت بوسیله ماشین‌آلات وکود ووسایل آبیاری وماشینهای تولید برق‌ووسایل حمل و نقل وهمچنین مواد سوخت ومصالح ساختمانی برای مصرف کنندگان دردهات تهیه میگردد .

بنابرین مانه تنها پشتیبان ایجاد ورشد صنایع کوچك ومواد استهلاکی‌وزراعت‌هستیم،بلکه بشدت حکومت رامحکوم میسازیم که چرا صنایع کوچك را در برابر تولیدات مشابه‌خارجی حمایه نمی کند وراه های منطقی سرمایه گذاری‌خصوصی داخلی‌ودولتی ومختلط ازهردو را درزمینه صنایع کوچك مصرفی جستجو نمی کند وآنها را تحت نظارت ورهنمائی علمی ومترقی دولت قرار نمیدهد. زیرا معتقدیم که‌تاحدودی صاحبان صنایع کوچك ملی « بورژوازی ملی» باید تحت حمایه و تشویق وکنترول‌قرار داده شوند، زیرا تااندازه ئی‌خصلت ضد امپریالیستی دارند ودر ایجاد اقتصاد ملی می‌توانند بصورت نسبی سودمندواقع شوند .

بهر حال‌برای‌اینکه افغانستان به یك‌قدرت‌صنعتی بدل گردد، باید تجارب گذران بهای کشورهای پیشرو و مترقی ونوین را که چطور توانستند دریك نسل انسانی صنایع‌وزراعت‌کشور خودرا رشد دهند وبه یك کشور صنعتی تبدیل نمایند ،بیاموزیم .

فقط اصلاحات عمیق واساسی ارضی ، تقویه سکتور دولتی وملی کردن تجارت خارجی دریك‌دولت دموکراتیك می‌تواند باعث رشد وتکامل سریع کشاورزی و صنعتی کشورگردد و بصورت متوازن وهم آهنگ وهمزمان صنایع ثقیل ، متوسط وسبك وزراعت را انکشاف دهد .

(خلیل زمر)

(ازص اول)

وضع اقتصادی زحمتکشان

جالب» کوچی گری‌با چاپ ونشر عکسهای رنگارنگ ، دادسخن‌داد، میشود .

وضع مسکن در شهر هابمشکل حادی مبدل گردیده است . تخمین‌در حدود ۳۰ فیصد خانه ها در شهر کابل کرائی می باشد ، اکثریت این خانه های کرائی‌فاقد شرایط عادی یك خانه قابل نشیمن است . کرایهٔ خانه ها تا حدودی بلنداست که‌دوسوم یا حد اقل نیمه ئی از دستمزد قشر های کم در آمد زحمتکشان‌را می‌بلعد. افرادیکه عاید خیلی کم و ناچیز دارند، قادر به کرایه کردن خانه نیستند ،سنگینی کرایهٔ خانه تعداد کثیری از اقشار زحمتکشان را مجبور می سازد که سیادت صاحبان خانه رابه‌پذیرند و در بدل کار مجانی یا خیلی ارزان کودکان و سایر اعضای خانوادهٔ خود ،در یك اتاق تاریك و نمناك یا گاراژ پرنم ـهمسطح‌بازمین کوچه اقامت نمایند .

گرچه در شهر ها منازل جدید زیادی ساخته میشود ، اما غالب این منازل نو ساخت بغرض آسایش وزندگی های پرتجمل اقشا ثروتمند وطفیلی جامعه بکار میرود . اکنون مسابقه «دفن کردن پول»درساختمان خانه های «آخرین‌مودل» واپارتمان ها بخصوص در شهر کابل‌بحدی بالا گرفته و تعداد چنین خانه ها زیاد شده است که در یك تعداد زیاد آنها کسی نشیمن ندارد.البته خالی ماندن خانه ها به گرانی‌کرایه مربوط است ، نه اینکه سرعت ساختن خانه های کوچك،اقتصادی و کم مصرف بیش از نیاز اهالی به مسکن می‌باشد .

اکثریت مطلق پر جمعیت ترین قسمت شهر ها در خانه های کهنه و فرسوده سکونت دارندکه برای زندگی مناسب نیست ،بیشتر از ۵۰ فیصد از خانواده ها در یك اتاق زندگی می کنند در حالیکه هستند خانواده هائیکه‌از داشتن یك اتاق نیز محروم اند .دراطراف شهر ها، بخصوص شهر کابل مناطق فقر و بیکاری وسعت‌می‌یابد، خانه هائیکه در حومهٔ شهر های بزرگتر ساخته میشود ، اکثر فاقد هر گونه شرایط حداقل‌صحی‌است. کارگران پس از پیمودن فاصله های طولانی صبح‌ها وقت به کار میروند و شب‌ها ناوقت باز میگردند وبدینترتیب دربدل مزدناچیزی روزانه بیش ازده ساعت وقت‌بهدر میدهند .

کارگران کار خانه ها از لحاظ مسکن در مضیقه هستند،کارگران فابریکات نساجی گلبهار و پلخمری که‌باکار توانفرسای ایشان ملیون‌ها افغانی ثروت نصیب صاحبان اسهام و سرمایه داران آزمندآن گردیده است ازین لحاظ سخت دچار مشکلات اند .

با فرار دهقانان و زحمتکشان درماندهٔ کشور از ده به شهر ،علاوه برآنکه‌عرضهٔ‌کاردرشهرها به‌تناسب تقاضا زیاد میگردد ، مشکل‌بیخانگی نیز شدت می‌یابد .

صد ها هزار انسان زحمتکش بزرگسال وخورد سال مرد و زن کشور بخصوص آنهائیکه کار روز پرندارند ، ازبدی وضع مسکن و فقر وحشتناك‌و کشنده رنج‌میبرند.

برهنگی و فقر غذائی :

زحمتکشان کشور از داشتن لباسیکه ، صرف نظر از نامناسب بودن آن ، حد اقل تن شانرا ، از گزند گرما و سرما حفاظه نماید محروم هستند ،غذائیکه حد اقل کالوری وانرژی کار را برای‌ایشان تامین نماید، میسر نیست .بالعموم مردم به‌چنان‌فقرافتاده‌اند که گوشت تخم ، ماهی ،شکر و غیره بعلت گرانی زیاده از حد ، جزء آرزو های دور از دسترس ایشان قرار گرفته است . فصل ده ها نوع خوراکه و میوه می گذرداما زحمتکشان نمیتوانند برآن‌دست یابند.

در سالهای اخیر (مثلا در سال ۱۳٤۵)بحساب فی نفر در حدود۲۰ کیلو گرام یا ٤۵ پاو برنج‌و ۱۱کیلو یا ۲۵ پاو گوشت در کشور تولید شده است ، همه میدانند که ٤۵پاو برنج و ۲۵ پاو گوشت دریك‌سال که به صورت متوسط برای فی‌نفر نشان داده میشود ، چگونه به دسترس اشخاص‌قرار میگیرد. در حالیکه اکثریت مطلق خانواده های زحمتکشان حتی مزه آنرا نمی‌چشند. اقلیت مفتخوار هر روز و هر شب «پلاو» میخورند و بدینجهت ازطرف بلند گویان طبقهٔ حاکمه «پلاو» به حیث غذای عنعوی مردم معرفی می‌گردد. باید این آقایان(!) بدانند که اقلیت مفتخوار پلاو خوار جزء مردم نیستند . غذای همیشگی و «عنعوی» مردم ـ زحمتکسان کشور را نان خشك و چای تلخ تشکیل میدهد که ارقام مربوط بمصرف این دو جنس گواه مدعای ماست .

مصرف متوسط سالانه فی نفر ۱۶۲ کیلو یا ۲۲ سیر گندم و ٤۸ کیلو یا ۷ سیر جواری است ودر حدود ۰ر٤۶ کیلو یا تقریباً یك بر چهار پاو چای است . برینترتیب بیشتر از ٤۵۰ ملیون افغانی در سال۱۳٤۵ برای تورید چای پرداخته‌شده. جالب اینکه زحمتکشان کشور معمولاقادر نیستند با «نان و چای» خود حتی مقداری شکر همراه سازند ، چه حد متوسط مصرف فی نفر در سال بیشتر از چهار کیلو یا کمتر ازیك پاو شکر نمیباشد واین مقداری فوق‌العاده قلیل است که از آنهم قسمت بیشتر را خانواده های مرفه الحال به اشکال گوناگون بمصرف می رسانند .

(باقیدارد)

بقیه ص ۳

در ولایت فراه تعصبات قبیلوی را تحریك میکنند

ښاغلی (ك) ازولایت‌فراه مینویسد: «درین اواخر بین معلمین،متعلمین وعده‌یی از اهالی ولایت فراه، اختلافات قومی ایجاد شده است . این اختلافات که هنوز محدود است احتمال دشمنی های تازه را بین‌مردم بوجود آورده است .

اکنون ثابت شده است که موجد این اختلافات مدیریت معارف ولایت فراه میباشد. زیرا مدیر ...بوسیله تحریك «زی‌ها» برای حفظ مقام خود میکوشد. درسلسله این بازی‌عده‌ئی از متعلمین را بنام بارکزی ویکعده دیگر را بنام نورزی علیه یکدیگر متوجه می‌سازد. اکنون دامنه این اختلافات ازساحه مکاتب بسوی توده مردم گسترش یافته است .

این حرکات مدیر ... فراه باعث انزجار عمیق مردم شریف فراه‌شده وآرزو می کنند تا بهمچو عناصر تفرقه انداز، درچنین مواقف نازك ومهم، موقع کار داده نشود. شاگردان ولایت فراه فریاد میزنند :

ـ دست عناصر تفرقه افگن را کوتاه کنید !

ـ تفرقه افگنی بین مردم دشمنی باوطن است !

ـ زنده باد اتحاد مردم وطن ما!»

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول‌مدیر : سلیمان لایق

دولتی مطبعه

به سلسله‌لغات‌واصطلاحات سیاسی:

دربارهٔ حزب ومفهوم آن

ـ ۱ ـ

هرعمل اجتماعی‌به سازمان‌نیازمند است وسازمانی که بمبارزه سیاسی اجتماعی می‌پردازد حزب نام دارد . حزب عبارت از یك سازمان سیاسی است که درآن همفکران وطرفداران یك آرمان گرد هم‌جمع میشوند .

حزب فعالترین عناصر یك طبقه ویااقشار اجتماعی معین را درصفوف خود گرد میآوردوبیانگر منافع‌آن‌طبقه ویا قشربوده، رهبری‌آنرا درمبارزات اجتماعی بعهده می گیرد. احزاب ازجهت ماهیت سیاست خود دارای تعلق طبقاتی هستند .

در جریان تکامل سرمایه داری سازما نهای سیاسی پرو لتاریا وبورژوازی (کارگران‌وسرمایه داران) دوطبقه اساسی درجامعه سرمایه‌داری وده ها سازمان سیاسی دیگر به نمایندگی ازاقشار مختلف‌اجتماعی تشکیل میشود. علت اساسی تعداد احزاب بورژوازی دربرخی ازکشور ـ های سرمایه داری وجود گروه ها واقشار مختلف درطبقه سرمایه دار ومبارزه داخلی آنهابرای کسب‌قدرت حاکمه است .

برعلاوه بورژوازی از وجودچندین حزب باقیافه ها وتضاد های مختلف برای فریب واغوای مردم استفاده میکند تاآنها را از مبارزه صریح وروشن طبقاتی منحرف سازد .

درمرحله امپریالیزم، انحصارگران وزمامداران درمقابل جنبش توده ها، به دکتاتوری‌واختناق متوسل‌میشوند واحزاب فاشیستی بوجود میآورند. احزاب فاشیستی درحقیقت گروه‌های حزبی سرمایه‌داری هستند. بورژوازی همچنین بااستفاده ازارستو کراسی کارگری سعی میکند سازمانهائی را برای فریب کارگران ترتیب دهد .

دردوران ما مترقی ترین‌وپیشرو ـ ترین حزب ـ حزب طبقه کارگر است که به تئوری پیشرو وجهان بینی علمی انقلابی مجهز میباشد .

کار گران ضرورت بیك سازمان سیاسی تیپ جدید دارند، که تنها خودرا منحصر به مبارزه برای‌ارضای نیازمندی هـای آنـی خلق کـارگـر نمیسازد، بلکه هدف‌خودتأمین قدرت را بمنظور ایجاد تـحو ل بنیادی درجامعه‌قرار میدهد.چنین سازمانی‌ـ حزب پیشآهنگ طبقه کارگر است. «برای اینکه قاطبه یك طبقه معین منافع وموقف خود را دریابد، برای اینکه بیاموزد تامشی خودرا تعقیب نماید، صریحاً ضرورت آن میرودکه عـنـا صر پیشرو بصورت فوری وبه هرقیمتی که باشد حتی اگر این عناصر درمرحله اول جزء کوچکی از طبقه را دربـرگیرد، متشکل گردند.»

حزب طراز نـوین طبقه کـارگر، سازمان راستین طبقه کارگر، مدافع وبیانگر کلیه منافع همه توده های زحمتکش است. این حزب است که میتواند رهبری صحیح مبارزه طبقاتی زحمتکشان را بدست گیرد وازهمه انواع مبارزه استفاده کند، صورت تلفیق صحیح تمام اشکال آنرا تعیین نماید. ایـن حزب در فعالیت خـود جهانبینی علمی را رهنمای عمل خود قرار میدهد وبا تجربه خود آنراغنی می‌سازد .

افراد ترقیخواه پیشرو ازآنجا که پیشآهنگ و پرچمدار پیشرو ترین طبقه جامعه معاصرند ، ازآنجا کـه باتئوری علمی و موازین سازمانی مستحکمی مجهز اند، احزاب تیپ جدید را تشکیل میدهند .

عناصر ترقیخواه پیشرو، کارگران، دهقانان وآن روشنفکرانند که‌باشعور بیشتر طبقاتی، استواری‌ایدئولوژیکی وبالاخره کرکتر انقلابی و آمادگی دربرابر هرگونه آزمایش بخاطرآرمان عالی شان که برای تحقق آن گردهم آمده اند، ازدیگران متمایز میگردند، زندگی ایشان بامنافع مردم بستگی دارد .

اصول خلاق جها نبینی علمی میآموزد که :

۱ـ احزاب طبقه کارگر قبل‌ازآنکه پیشآهنگ واقعی طبقه گردند،معمولا مراحلی از رشد سیاسی وسازمانی‌را ازسر میگذرانند، درآغاز لازم است که وحدت ایدئولوژیکی تأمین گردد، اعضاء پرورش‌حزبی‌به بینندوسازمان رشد یابد. سپس وقت آن فرامیرسد که حزب درمیان توده ها بـرود واعتصابات و فعالیتهای توده ای طبقه کارگر را رهنمائی نـمـا یـد. درین مرحله حزب جنبش‌خود بخودی طبقه کارگر را به جنبش متشکل وآگاهانه مبدل میسازد وبعداً به‌یك نیروی واقعی سیاسی قادر به‌رهبری نه تنها اکثریت طبقه کارگر، بلکه توده های وسیع مردم تبدیل میگردد. دراثر شرایط عینی نوینی که اکنون درجهان پدید آمده است تمام احزاب کارگری امکانات آن را دارند که به سطح عالیتر رشد وتکامل خود وارد گردند .

۲ـ حزب طبقه کارگر ارگان‌مترقی زحمتکشان و پیشآهنگ آنست که تمام سازمانهای دیگر کارگری یعنی اتحادیه ها، کوپراتیف ها وغیره را بهم پیوند میدهد، آنهارا از لحاظ سیاسی رهبری میکند وفعالیت های آنهارا بجهت نیل به هدف واحد یعنی محو سرمایه داری وایجاد جامعه نوین ومترقی سوق میدهد .

این حزب قادر است که در امر سا ختمان زندگی اجتماعی بـدون بورژوازی وعلیه بورژوازی‌معلم‌ورهبر تمام زحمتکشان واستثمار شوندگان باشد .

۳ـ حزب طبقه کارگر از ینجهت میتواند نقش پیشآهنگ مترقی طبقه کارگر ورهبری تمام خلق را اجراء کند که مجهز به تئوری علمی وجهانبینی علمی است وبا معرفت به قوانین‌تکامل اجتماعی‌عملا میتواند ازین قوانین بسود تحول اساسی جامعه استفاده کند .

۴ـ حزب طبقه کار گر پیوسته آگاهی طبقاتی را درتوده های وسیع کـارگـر رشد و پرورش میدهد. طبقه کار گر را از نفوذ ایدئو لوژیک فا سد بورژوازی مصئون میدارد و در برابر هرگونه کوششیکه برای تحریف جها نبینی علمی بعمل میآید، بطور آشتی ناپذیر مبارزه میکند .

۵ـ حزب طبقه کارگر نه‌تنها‌ارگان مترقی وآگاه طبقه کارگر است، بلکه ارگان متشکل طبقه کارگر نیزاست. ارگانیکه افراد آنرا خواست مشترك، تحقق افکار و اندیشه های تئوری علمی پیشرو بهم پیو نـد میدهد. درچنین‌حزب‌جائی‌برای‌اپورتونیستها، از هر جنسی که بـاشند، نیست. اپورتونیست‌ها میکوشند که وحدت صفوف حزب را بـرهم زنند، آنـرا ازدرون متلاشی سازند .

۶ـ حزب پیشآهنگ طبقه کارگر، حزب واقعی خلق‌ومحل تجمع‌بهترین نمایندگان خلق است. باهزاران‌ریشه باتوده های وسیع زحمتکشان رابطه دارد. ازآنجائیکه حزب‌مظهرخواستها وتمایلات خلق ومدافع پیگیر مـنـافـع مبرم آنست، از اعتماد وپشتیبانی توده های وسیع مردم بـر خوردار میباشد. نیروی غلبه ناپذیر حزب طراز نوین طبقه کار گـر از همین ارتباط باخلق‌وبرخورداری‌ازپشتیبانی وتوجه خلق است .

(باقیدارد)

به سلسله حقوق اقتصادی واجتماعی کارگران : آسه مائی

حق استراحت

از حقوق مسلم کارگران است‌که باید از مرخصی های لازم در جریان سال باحفظ دستمزد برخوردارباشند واقلا درسال یکماه استراحت‌نمایند. دربرابر انجام کار فرساینده ومداوم هرگاه زمینه استراحت وتجدیدقواء برای کارگران میسر نباشد، نتیجه آن‌به‌تحلیل‌رفتن تدریجی نیروی کار، ضعف جسمانی وروانی وپائین آمدن سطح‌بازده کار خواهدبود. بخصوص آن کارگرانیکه در شرایط دشوار ونامسا عد بکار میپردازند مانند کارگران معادن وغیره نیاز شدیدتری به استراحت دارند .

بد ینجهت د ر کشور هـای سوسیالیستی ـ هرکارگر حق دارد که باحفظ دستمزد خود همه ساله بطور مجانی درشبکه های وسیعی از آسایشگاه‌ها استراحت کندوبه‌تفریح بپردازد .

در مورد حق استراحت وتفریح کارگران اعلامیه حقوق بشر درماده ۲۴ خود اشعار میدارد که : «هرکس حق استراحت، فراغت وتفریح دارد، بشمول محدودیت معقول ساعات‌کار ومرخصی های موقوته باخذ معاش»

درجامعه ماکارگران عملا ازین‌حق محروم اند، گرچه قانوناً ممانعتی نمیتواند د ر مورد محـرومیت از استراحت وجود داشته باشد، امـا درصورتیکه نه وسائل ونه امکانات استراحت میسر باشد ، این خود بمعنی محروم بودن ازین حق است. درمورد‌تأمین حداقل‌امکانات‌استراحت وآسایش کـارگـران در افغانستان هیچگونه تسهیلا تی بوجود نیامده است تـا‌ایشان قادر به چند روزه استراحت مجانی در سال ، بـدون ازدست دادن دستمزد وسایر حقوق خود، گردند ورفع خستگی نمایند.

برای اینکه کارگران کشوردرکنار سایر حقوق وسیع و انسانی خود ازین حق نیز مستفید شده بتوانند باید، باتشکل ومبارزه پیگیروبی‌امان خود شرایطی را بوجود آورند کـه قدرت بدست نمایندگان طبقه کارگر قرار گیرد .

حق اعتصابات وتظاهرات

اعتصابات‌وتظاهرات سلاح مطمئنی است که کارگران‌بوسیله آن‌میتوانند از حقوق خود وازتطبیق قوانین کار دفـاع نمایند. بهمین جهت سازمان بین‌المللی‌کار نیز آنراجزء اساسنامه خود تصویب نموده است .

آنچه را قبلا درموارد‌مختلف حقوق اقتصادی واجتماعی کارگران گفته‌ایم درصورتی برای کـار گـران تـأمین میگرددکه ایشان درراه‌تحقق‌بخشیدن آن مبارزه نمایند .

یکی ازاشکال مبارزه کار گـران ونخستین شکل آن مبارزه اقتصادی وصنفی است که این مبارزه عمدتـاً ازطریق اعتصابات وتظاهرات‌کارگری بغرض برآوردن مطالبات وخواستهای کارگران انجام میگیرد .

هنگامیکه کار فرمایان وسرمایه ـ داران به‌حقوق‌مسلم‌وقانونی کارگران اذعان نه نمایند ، کـارگـران مجبور میگردنـد کـه د ست به اعتصاب دستجمعی بزنند و گـاهی هم آنـرا به تظاهر خیابانی مبدل سازند؛دراثر مقاومت کار فرمایان را وادارب‌هتسلیم در برابر مطالبات قـانونـی خویش سازند، درغیر آن هیچگاه سرمایه ـ داران بخودی خود حاضر به برآوردن حداقل خواستهای‌کارگران‌نمیشوند .

قـدرت کـار گـران د ر اعتصابـات وتظاهرات در تشکل واتحاد آنهاست وهمین امـر است کـه غالباً با عث عقب نشینی کار فرمایان وسرمایه ـ داران آزمند د ر برابر خواستهـای کـارگـران میگردد .

علاوتاً تشکل واتحاد کار گـران وپیروزی آنان درمبارزات روز مـرهٔ اقتصادی شا ن مـوجب پـیـدایش وگسترش شعور طبقاتی آنهاوتشکل واتحاد وسیع شان و گـرفتن درس مبارزه برای بر آوردن خواستهـای اساسی کـارگران و تمام زحمتکشان درمبارزات سیاسی می‌گردد .

اکنون نـهضت هـا ی اعتصابـی کارگری درجهان تاحدودی اوج‌گرفته است که هرروز خبرهـای اعتصاب چندین هزاری ، چندین صد هزاری وملیونی کار گران را درنقاط مختلف جهان میشنویم. اعتصاباتیکه اکنون درجهـان بخصوص در کشور هـای پیشرفته سرمایه‌داری صورت‌میگیرد کاملا نمایندگی از مبارزات شعوری وآگاهانه کارگران مینماید. اغلب‌این اعتصابات وتظاهرات کارگری حالا علاوه بر وسعت آن محتوی ماهیت سیاسی میباشند. نهضت اعتصابی وتظاهراتی اخیر فرانسه که مـدت زیادی دوام کرد ودرآنها یازده ملیون نفر اشتراك ورزیدند مؤید این امر است .

درافغانستان نیز درسال های‌اخیر کارگران برای بدست آوردن‌مطالبات وخواستهای خیلی ضروری وابتدائی اقتصادی خود ازاعتصابات وتظاهرات استفاده کرده اندکه نهضت اعتصابی اخیر کشور بعد از اول می ـ روز بین‌المللی کار گران نقطهٔ روشنی درتاریخ مبارزات کـارگری کـشـور بشمار میرود .

علی رغم اینکه اکنون اعتصابات وتظاهرات بمثابهٔ معمولترین شکل مبارزه درجهان شناخته و پذیرفته شده است وعلی رغم مادهٔ سی ودوم قانون اساسی کشور که اجتماعات صلح آمیز (اعتصابات و تظاهرات) درآن تضمین گردیده‌است،محافل‌حاکمه ارتجاعی کشور خیلی تلاش کردند تادرجریان نهضت‌اعتصابی اخیر،این سلاح موثر ووسیله نیرومند مبارزه‌قانونی ومسالمت آمیز کارگران وزحمتکشان را ازدست ایشان برون کنند. برای انجام این امر وسا یل گـونـاگـون غیرقانونی وغیر دموکراتیك ازایجاد فضای اختناق ورعب وترس در کارخانه ها و محوطه های کار گرفته تااخراج، حبس وشکنجه کارگـران بکاربردند، اماکارگران دلیر‌کشورکه مورد استثمار قرار میگیرند،هیچگاه این وسیله قانونی مبارزه را مفت وارزان از دست نخواهند داد، بلکه درجهت تعمیق نهضت‌اعتصابی‌کارگری کشور گامهای وسیعتر وجدی تری خواهند برداشت .

(بقیه ص اول)

وطن وجامعه خودرا...

خصوصیات وطن وجامعه ملی خود بپردازیم؛ زیرا «وطن که عبارت از محیط معین سیاسی ، فر هنگی واجتماعی است ، نیرومند تر ین عامل در مبارزهٔ طبقا تی زحمتکشان می‌باشد » .

ازینرو بـدون شناخت و طـن نمیتوان به پیروزی در مبارزهٔ‌طبقاتی نایل آمد. شناسائی جامعه و وطن باید در جهات مختلف اعم ازشرایط اقتصادی ، اجتماعی ، نیرو ها ی تولیدی، طبقات‌اجتماعی، خصوصیات فیودالی، ترکیب‌ملی، محلی ،قومی، نژادی ، قـبـیـلـو ی ، د و لـت قوانین ، اخلاق ، مذهب ، فر هنگ و هنر ، آداب ورسوم ، عنعنا ت و سنن و مبا رزات مردم ما ، صورت گیرد؛ که البته این امربدون مطالعه عمیق تاریخ و جامعه شناسی‌کشور امکان پذیر نیست. ولی باید بکمال تا سف اظهار داشت که تا کـنون عدهٔ زیادی از مبارزان پیشرو ما در بارهٔ تاریخ وجغرافیای «سیاسی ، بشری، اقتصادی و طبیعی» کشور، در بارهٔ خصوصیات جامعهٔ افغا نی که در آن زندگی میکنند ،معلومات درستی ندارند ودر نتیجه نمیتوانند تعالیم جهان بینی علمی وانقلابی را باوضع خاص اجتماعی ـاقتصادی، سیاسی و فر هنگی کـشـور و فق دهند و آنرا به شناخت ملت مـا مقرون سازند .

باید تو جه‌کردکه اگر فرا گرفتن اصول جهانبینی علمی سهل است، ولی تطبیق آن در شـرایط کـشـور بسیار مشکل و پیچیده است کـه اشتباهات یکعده از عناصرومحافل متر قی از همین جا ناشی است .

افغانستان یکی از قدیم تر ین و خاصترین کشور هاست در قلب آسیا . تاریخ و ترکیب ملی خلق و طن ما ، ترکیب مغلق وپیچید ه است . خصوصیات سیا سی ، اجتماعی و فر هنگی ، سوابق نفوذ استعمار ، سلطه دولت های مرکزی و محلی فئو دالی ،پیوند و روا بط تاریخی کشور های همجوار باخلق و تاریخ کشور ما همه و همه مسایلی اند که بدون مطا لعهٔ دقیق تار یخ و بدون معرفت با خصوصیات مزبور نمیتوان قوانین خاص رشد تکا مل آینده افغانستان را کشف کرد .

درین زمینه دیگر باید تنبلی و رخوت را کنار گذاشت وباید وطن را از منطقه به منطقه ،از سر تاسر از دیروز وامروز بصورت عمیق‌وهمه جانبه مطالعه کرد وآنرا شنا خت . به تاریخ پر افتخار و کهنسال وطن و سنن مبارزات خلق کشورآشنائی پیدا نمود و سر انجام پیوند خود را با تاریخ جدید ، باجریان‌حواد ث روز مره ، تحولات‌وتغییرات او ضاع و طن و نهضت نو ین رها ئی‌بخش کشور تامین کردو درنتیجه‌تشخیص داد که براساس اصول واحکا م جها نبینی علمی ز حمتکشان ، و انطباق خلاق آن در شرایط و طن‌و جا معهٔ ملی ما میتوان علما پا لیسی عمومی و جاری خود را تنظیم و شعار های روز مرهٔ مبارزه وجنبش را صحیحاً استخراج کرد؛ راههای نا منکشف‌را کشف نمود ودرنتیجه تشخیص داد که در شرایط کنونی «خلق» کیست و «دشمن» کد ا م است ، و طن چیست و دشمنان و دو ستان و طن ما کیانـنـد ، نبض رشد و تکامل آیندهٔ افغا نستا ن‌در کجا ست و راه علاج چیست ؟

موجز اینکه مبا رزان پیشرو ما باید :

ـمقدم بر همه‌اصول‌خلاق‌جهان‌بینی‌علمی رافراگیرند ، زیرا بد ون در دست داشتن این قطب نـما ، پیروزی مبارزه رهائی بخش‌ملـی و اجتماعی ما ممکن نیست .

ـ باید همت گماشت تا اصو ل فوق را در شرایط وطن و جامعه‌ما انطباق داد . برای نیـل بـه ایـن آرمان با ید کوشید تا و طن وجامعه خودرا همه جانبه بشناسیم وآگاهی‌و معلومات خودرا در بارهٔ او ضا ع واحوال مشخص ملی ارتقا دهیم و پیوسته با جریان تغییرات‌وتحولات جا معهٔ خود پیوند نا گسسته با شیم.

ـ با انجام ایـن وظایف و شرکت عملی در مبارزه روز مره اجتما عی است که میتوان افتخار نام مبا ر ز پیش آهنگ راکسب نمودودرجنبش رهائی بخش دمو کراتیك ملی و متر قی کشور نقش شا یسته ایرا ایفاء کرد .

(دلومړی مخ پاتی)

روغتیا او پوهنه...

کروندو کی ربړگالی اوکه چیری‌دی ربړته تن ورتکړی ددوی د کورنیو لپاره به حداقل ژوند ناممکن شی .

دوهم داچه : پدی ناچیزه بودجه بانـدی څنگه کیدی شی «داسی‌مرحلی ته ورسیږو چه په هغی کی دتعلیم او روزنـی مـنـا سبی آسـانـتـیـاوی، دافغانستان دټولوافرادو لپاره» تامین شی. که دموجودحرکت‌حساب واخلو بنایی سل کـالـه ، دوسوه کـالـه وروسته!

دافغانستان دپوهنی دفیوډالی او استعماری ماهیت په باره کی مو زیات بحث کړیدی . لهذا داسی پوښتنه پیدا کیږی چه مقصود لـه پوهنی نه څه ده ؟ مسلم حقیقت دی چه مقصود له پوهنی نه باید داوی‌چه دهیواد دخلکو عمومی افکار له‌رخوت، انجماد او وروسته والی نه راووزی اود معاصری نړی له علم، فن اونظر یاتو سره آشنا شی او دعصر لـه مقتضیاتو سره‌سم فکر اوژوندوکړی. دځان او دټولنی په وضعه پوه شی‌او خپل محیط وپیژنی او په لس‌هاوونور مطالب . مگر بالعکس زمونږ دپوهنی پاملرنه دی موضوع ته ده چه‌معارف ترنوم لاندی، د خلکو افکار دتیرو پیړیو ژوروته بوزی‌اوذهن دوراثونو خرافات ور تلقین کاندی. اودنوی نړی اجتماعی، علمی او تکنیکی انقلابونه له سترگو نه پټ کړی او بخیل‌زعم‌تاریخ خرخی چپه‌وگرزوی.

دافغانستان دخلکو دروغتیا وضعه نسبت دپوهنی تر وضعی ډیره بتره ده !

داساسی قانون ۳۶ ماده دخلکو دصحت په موردکی ویلی‌دی:«دولت مؤظف دی چه تر خپله وسه دټولو افغانانو دپاره‌به متوازن ډول‌دناروغیو دمخنیوی او علاج‌وسیلی برابری‌کړی. پدی برخه کښی ددولت هدف یو ـ داسی پړاوته رسیدل دی چه دروغتیا مناسبی آسانی پکښی دافغانستان دټولو وگړو دپاره برابری شی .»

بیاهم هماغه پوښتنه :/ آخر کله به ددولت دغه هدف تامین شی.هغه هم دروغتیادوزارت پدی فقیره‌بودجه، پدی‌سست‌صحی‌حرکت ، پدی‌محدودو روغتونونو ، اوپه دی خوداکترانو او کمپودرانو ، هغه هم پدی خومحدودو ښارونوکی . . .؟

ترڅو باید انتظار وایستل شی او وطن په زرگونو وگړی قصداً دمرض او مرگ منگولوته وسپارل شی ؟ څه باید وشی ؟

گران وطنوال کولی شی د خپلی پوښتنی ځواب دپرچم دجریدی دخپرونو له مجموع څخه ، په‌روښانه اوصریح توگه پیدا کاندی .

په اساسی قانون کی دمصرحه متوازنی پوهنی او متوازنی روغتیا تعمیم ، یوازی دخلك دموکراتیك مرام دتطبیق له لاری دهیواد خلکوته برابریدای شی . ځکه چه دافغانستان اوسنی حاکمه هیأت دخلکو پوهنی او روغتیاته واقعی اواساسی توجه‌نلری.

یاد داشت: په (۱۳۴۶) کال کی د ر و غـتـیـا د وزارت ټـو لـه عـا دی او انکشا فی بودجه (۱۱۳٬۸۶۱٬۰۰۰) افغانی ده او د پوهنی (۵۵۵٬۹۸۸٬۰۰۰) افغانی.ده. دواړو مجموع (۶۶۹٬۸۴۹٬۰۰۰) افغانی کیږی اوداپیسی تقریباً دیوی ۷۲۷ بوئینگ الوتکی له قیمت سره برابری دی .

(نجیب)

اعتراض بر تفاوت وقت‌حاضری کارگران ومامورین

عده یی از کار گران بر تفا و ت‌مقررات حا ضری بین‌مامورین‌وکار گران اعتراض نموده و نوشته انـد :

«ازآنجاییکه پر چم نا شر اندیشه‌های دمو کراتیك خلق افغا نستا ن‌و مظهر آرمانها و انعکاس دهند هٔ واقعی درد ها و مشکلات گونا گون‌خلقهای ز حمتکش وطـن است وتوانسته است خواست ها ومطالبات طبقهٔ جوان کـار گـر را در بـرابرار تجاع کهنه کار قرار بد هد، ماگرو هی از کار گران در سلسلهٔ سایر مطالبات صنفی واقتصادی‌خود،تفاوت بین حاضری ما مورین وکار گر ان را موردبحث قرارداده وجهت نشر تقدیم کردیم .

در تابستان و قت روزانهٔ خدمت‌کار گران نسبت بما مورین نیم ساعت بیشتر بوده و در زمستان‌این‌تفاوت به‌یك‌و نیم ساعت میرسد . در حا لیکه کار گران علی ر غم‌محدودیت امتیازات و حقوق مـا دی بکار شاقهٔ جسمی میپر دازند و ازتسهیلات مانند مو تر و غیره محرو مند ، کدام انصاف و عدا لت‌اجازه مید هد که برایشان چنین شرایط ظالمانه و حاضری بیرحمانه‌تحمیل شود ؟

چون اکثر زحمت کشان به‌نسبت‌عدم استطا عت در کابل‌خانه‌به‌کرایه گرفته نمیتوانند مجبور میشوند بـه خاطر تعمیل این حا ضری ظالما نه در سرد ترین دقایق صبح و شا م چندین کیلو متر فا صله را ا ز مراکز صنعتی تا خانه های دها تی طی نمایند و در نتیجه به نسـبت فقدان غذایی و لباس درست بامراض گونا گون موسمی دچار گردند .»

این کار گران ضمن پیام فو ق ا ز سایر کار گران کشور تقا ضا کرده اند تا بغرض از بین بـر د ن مقررات ظا لمانهٔ حا ضری ،درمور د کار گران ، مبارزه کنند و برای‌ایجاد شرایط بهتر حا ضری به حیث قد م اول مبارزه اتحاد طبقاتی خـود را مستحکم نمایند .

پرچم : از مطالبه‌عادلانه وبشری کارگران ، درمورد خـواست فـوق پشتیبانی نموده وحمایت کامل‌خودرا از تمام مطالبات قانونی کار گـران اعلام میدارد .

نتایج سیمینارهای اصلاحی واجتماعی منفی است

بنا غلی عبدالرازق وردك ضمن‌نامه‌یی در مورد سیمینار ها چنین‌نوشته اند :

« روزنامهٔ اصلاح در شمار ۴۷/۹/۹۵ خود چنین نوشته بود :«در تالارریاست محاکمات‌ولایت غور سیمینار اصلاحات اجتماعی واقتصادی تحت ریاست والی غو رترتیب شده بود . . . » اینموضوع درذهن من باعث تداعی سیمینا راصلاحات اقتصادی و اجتما عی‌ولایت وردك گردید . این سیمینار به‌تاریخ ۱۱ سنبله ۱۳۴۶ از طرف‌وزیر داخله ، در و لایت وردك دایرگردید ، مراسم افتتاح آن خیلی با شکوه و پر طنطنه گـذشـت وسیمینار تقریبا یك هفته دوام کرد.ضمن فیصله ها ی مختلفیکه در سیمینار بعمل آمد دو فیصلهٔ ا تی‌در رأس آن قرار می‌گرفت :

۱ ـ هنـگـام مـرده داری نـا ن(بدرگه) وهمچنان، نان دادن‌به‌فاتحه دهندگان من بعد منع است .

۲ ـ در عروسی ها از ۱۰ ـالی ۲۰ سیر آرد و یا برنج و یك ر أس گوسفند بیشتر مصرف نشـود ،(ولور) از ۱۰ هزار افغانی تجا وز نکند ومصارف اضافی بصورت‌قطع ممنوع قرار داده شود .

در پایان فیصلهٔ سیمینار چنین‌تبصره بعمل آمده بود : اگر کسی خلاف فیصلهٔ سیمینار‌رفتار نمود، نمایندهٔ سیمینار مجبور اسـت‌بـه حکومت اطلاع دهد ،درصورت عدم اطلاع نمایندهٔ سیمینار مبلغ دوهزار الی پنجهزار افغانـی جـریـمـه شده و پدر دختر علاوه‌بر مجاز ات جریمه نیز میشود .

درپایان یك یك نسخه از فیصله های سیمینار را به مشترکین توزیع نموده وابلاغ کردند که هنگام بـا ز گشت بقراء فیصله های سیمینار را بمردم بر سانند و فواید آنرا تبلیغ کنند .

اما متا سفانه بعد از صدور فیصله این سیمینار مصارف مرده دار ی و طویانه بلند رفته و (و لور) نیز از ۳۰ ـ ۴۰ ـ ۵۰ هزار افغانی به ۳۵ ـ ۴۵ ـ ۵۵ هزار افغانی رسید و این به خاطر آنکه اکنون علاوه بـر مصارف دیگر ، می باید حق التاریخ نمایندهٔ سیمینار را نیز تاد یه‌کرد.

پیشنهاد من اینست که‌اگراولیای امور همچو سیمینار هارا به خاطر آسو دگی مردم دایـر مـی کـنـنـد ، لازمست فیصله های آنرا در عمل بصورت جدی تعقیب نمایند و اگـر چنین نباشـد حد اقل از همچـو سیمینار ها دست بکیرند و به‌خاطر یك فیشن رسمی باعث اتلاف و قت خود ووقت مردم نگردند و بیشتـر باعث اذیت ویأس ومصارف اضافی دیگر برمردم نشوند .»

(بقیه درصفحه ۴)

دردهای دل‌مردم

زندگی دردناك موسیقی دانان کشورما

طرح‌مسأ لهٔ تکامل هنر مو سیقی ملی و خلقی در کشورما در پهلوی سایر هنرها ی زیبا ، علل عقب ـ ما نی و طرق انکشاف آن با تحلیل جنبهٔ تکنیکی هنر موسیقی،وهمچنان خطر نفوذ رو شهای بیگانه وراههای جلو گیری ازآن در م وسیقی‌ملی مـا موضوع بحث جـداگانه ایست .

اما آنچه عجا لتا مورد تـو جـه قرار میگیرد و جسته‌و گسیخته انعکاس‌دردهای گروهی‌ازموسیقی ـ دانان محروم کشوربنداشته‌میشود، وضع رقت انگیز زندگی‌آنا نست . فقر‌کشنده‌مالی، محرو میت ازحقوق فردی ،توهین وتحقیر ،بیوسیلگی و عدم تشویق لاز مه در زمینهٔ انکشاف هنر واستعداد مو سیقی ـ دانان ما و بی توجهی به حیا ت بی سروسامان آنان همه وهـمـه د ر د ـ ها ئیست که چون خوره بنیا ن زند گی لرزان ایشان ، مخصو صاً مـوسـیـقـی نـوازان (حـرفـوی) و خوانندگان (کسبی) را در کشو ر ما می‌خورد وروز تا روز حیا ت آنانرا تلختروردد ناکتر میسازد .

این گروه پر استعداد و فدا کار از هنر مندان کـشـور ، اگـر هـم توانسته‌اند تاکنون بحیات رقتبا ر خویش ادامه دهند وهنر واستعداد خود و فرزندان خودرا از مـر گ آنی نجات دهند ، تنها به نیرو ی رنجها و زحمات شخصی خو یش متکی بوده‌اند، زیرا نه مکتبی ، نـه کورسی و نه کدام و سیلهٔ مـؤثر دیگری برای انکشاف ذ وق‌واستعداد و هنر ایشان وجود داشته ونه‌دولت کوچك ترین توجه اساسی‌که واقعاً بدرد هنر و زندگی آنان بخور د ، درین زمینه مبذول دا شته است .

معهذا بهمین دلخوش بو د ندکه میتوانند لااقل ما هی‌یکبار فریادهای درد آگین خودرا از حنجرهٔ را دیو افغا نستان به گوش درد مندا ن و علاقمندان موسیقی‌کشور میرسانند. ولی شنیده میشود که درین ز مینه نیز محدودیت هائی به و جود آمده است ، اگر ایـن مو ضوع حقیقت داشته باشد ، این خود جرا حت دیگر یست بر ز خمهای کذ شتهٔ این گـروه محـروم از هـنـرمندا ن کشور ما .

پرچم :

موسیقی دانان عزیز ! ما عقیده داریم که تا اتحادیه دموکراتیك خود را تشکیل ندهید و بـرای احقا ق حقوق مسلم وانکشاف هنرواستعداد خویش و همچنان بهـبـود و ضـع زندگی و مو قعیت ارجمند اجتماعی تان در یك صف متحد دست بـه مبارزهٔ پیگیر ومؤثر نزنید ،محالست جلو اینهمه بیـداد گـریها و بـی اعتنائیها را در مورد خویش‌بگیرید و مجرائی برای شـگـوفـانی هنر و استعداد های در خشان تان‌دریابید.

دفتر احصائیه‌نفوس سمنگان کوچیان آن ولایت‌را غارت‌میکنند

بناغلی (ح،ا) عنوانی پرچم ناشر اندیشه هـای دمو کـراتیك خلق افغانستان نوشته است :

«ازچند ماه بـه اینطرف ولایت سمنگان بامر‌توزیع تذ کـره هـای تابعیت دربین قبائل کوچی سمنگان آغاز کرد. درولایت سمنگان عده‌ئی از کوچیان قبائل (کندهاری ـبلوچ) که تقریباً (۱۲۰۰) فامیل تخمین میشوند ، بصورت آواره و پریشان زندگی میکنند .

مدیریت احصائیه ولایت سمنگان بهمکاری متنفذین محلی‌به‌بهانه‌توزیع تذکره، رفتار خیلی بیرحمانه و ضد خلقی را در برابر این کوچیان‌شریف وآواره درپیش گرفته اند .

کو چیان میگویند کـه عاملین احصائیه در برابر توزیع تذکره‌های تابعیت از فی‌نفرجوان (۳۰۰)افغانی، ازفی نفر سالخورده (۱۵۰) افغانی وازفـی نـفـر طـفـل (۱۰۰) افـغـانـی می‌ربایند .

قرار معلوماتیکه مردم‌محل‌داده‌اند، بعد ازینکه مبلغ هشتاد هزار افغانی ازین خانـه بـدوشان فقیر دستبرد زده اند، بین غارتگران برسرتقسیم کشمکش ومخالفتی رونما گردیده است .

از ادارهٔ محترم پرچم آرزو میبریم که، بخاطر نجات این کوچیان هموطن وفقیرموضوع‌را نشر نموده‌وازحقوق ایشان دفاع کند.»

پرچم: دستبرد بروکراسی‌فاسدرا جداً تقبیح نموده ومطالبه میکند کـه هرچه زودتر به این فجایع خاتـمه داده شود .

داستان

دجومات مړی

د۱۳۳۰ کال دژمی یوه سړه ورځ وه ـ واوری اوریدلی اوسخت بـاد راروانو ـ دباد په څپوکی د واورو څپرکی‌له درځی څخه دننه کوټی ته را اوریدل اوزمونږ دترانه چارچاپیره غولی یی لنداوه .

مونږ په یوه شنه خاورینه‌کاسه‌کی توت اودغنمو نینی گډکړی وو اوگرد سره پی بوخت وو. زماکشری خور مروره شوی وه اودکوټی دوره‌خواته ناسته وه ـ مونږته‌یی شارا اړولی‌وه خو کـلـه کلـه به یـی مخ راواړاوه اوزاوبه یی کتل خوچه مونږبه ورته وکتل نودی به مخ بیرته واړاوه او ځان‌به‌یی‌مرور وښود. داسی‌معلومیده چه زمونږ دسلا انتظار لری او فقط یوی کوچنی بلنی‌ته‌گوری خوچه‌مونږ به بلنه ورکړه دی به ځان ورټول‌کړ اوسربه یی له دیوال سره ومښلاوه میری می دپخوانیوکوچیانو دبرکتونو اوښو زمانو خاطری تکرارولی . کله به دگړندی باد څپو زمونږ ددهلیز دروازه پـه ډیـر شدت راوازه کړه اودواوړو سیل به یی په کوټه راننه یوست اوزمونږ دکوچنی او تـوری کوټی چت به یی داسی وریږداوه‌چه مونږ به گمان کـاوه اوس‌به کوټه رابـاندی راولویږی. ټولو خپلی زړی برستنی تر‌ځان راتاوکړی وی اوتر (توتونینو) راچاپیر شوی وو .

لړی اووریځی په ځمکه پلنی شوی وی اووخت‌ښه نه معلومیده ـ خوځلی می‌میری راته وویل چه مازیگر ده جومات‌ته لاړشه مگر مابه ورته وویل نه گمان کوم لاوخت شته دی .

مونږ لا دمهربانی میری قصوتـه غوږ ایښی وچه پلار می له بـانـدی نه راناری کړی: «هلکه د لمانځـه وخت دی» .

له ځایه پاڅیدم اوچټك می‌خپل چکمن واغوست. راووتم، پلار مـی دسرای له دروازی سره راته ولاړو پوستین یی ټینگ پرځان راتاوکړی واوپه شنه اوږده لکړه یی تکیه‌وهلی وه، چه زه یی ولیدم نووخوځید اود سرای لـه دروازی څخه ووت زه وربسی شوم اوزمونږ تورسپی هم له کدانی راودانگل اوپه نړی‌منډه‌کی په ماپسی راوخوځید. پلارمی دزیات عمرله کبله زوړ شوی‌و اوکلوشی‌یی هم زړی وی .

څو ځایه غریبگوټی و ښویید اوپه ځمکه ولوید خودثواب اودخدای‌درضا په لاره‌کی ده ته ددی تکلیف زغمل سخت کار نه و بلکه ده به خوندتری اخیست ـ اوله هری حادثی سره به یی ویل :

«خـدایه ته راضی شی» مـا تـه به‌دده دهر لویدو سره ، دده داوږده عمر منډی او ستړی راپه یاد شوی‌او دابه می سنجولای شوی‌چه دده‌ځوانی په شپوکی څومره سخت وظائف‌اجرا کړی‌او څنگـه دخپلـی عقیـدی په سیوری کی‌دده دعمر طلایی ورځی دنورو تر هوسونو اوجاه طلبیوقربان شویدی او ده ته له خپلو هڅواو قربانیوانه یوازی همدایوه (کلمه) (شکر) اواوږداحتیاج‌ورپاتی شویدی. سخته غصه راغله او دتور انتقام‌لوگی می ماغزه وخوځول زړه می په ټوپو شواوگامونه می‌بیواکه ارت او اوچت شول ـ گوره چه څه‌راوشول‌اوپښه می‌لاړه ـ سخت په ځمکه ولگیدم او کینه‌ځنگل می ژوبله‌شوه دشالخوامی دنجونو یوه مسته خنداتر غوږ شوه کاته می چه دبزگرانو دنجونو یوټولی چه‌په اوبو پسی‌ځی، په‌ما پسی دی، سخت خړ شوم. په بیړه پاڅیدم خو بیا ولویدم او داوارله منډه ووتم او ځان می د جومات بیالی ته ورساوه .

زه چه ترا له او دسه خلاصیدم‌ملا صاحب دمازیگر اذان وکه اوپه‌مایی هم غږ کړ چـه را اوچت شه جـمـه تیریږی ـ بیړه می وکړه اوځان می جمی ته ورساوه ـ په ملا صاحب‌پسی می نیت وتاړه ـ مونږ لادوه‌رکاته‌نه وو خلاص کړی چه دجومات‌په‌دروازه کی خرپی شو :

«سور گله ته تر سره‌شه ـ علم گل دی داسی راوگرزی ـ هلی هلی برکت‌یوسبی، برسرته‌یی تیر کړ ی» له‌دی خبروسره جوخت‌دځگروی‌آواز پورته شو ـ دټولو لمونځ گذارانـو حضو ر خـراب شوی و ، ځینو بزگـرانو د لما نځه په وروستـی صف کـی‌و رو و ړی را کـړ ی او دسترگو له کونجونو نه‌یی کینی خواته و کتل ـ زه هم گنا کار شوم او داکارمی وکه ـ خوشـه می نشوی لیدای او یوازی دومره‌پوه شوم چه هلکانو یوشی نیـولی او دجومات بری‌خواته‌یی‌راکا ږی.کوزه دابه څـه وی . بیا څه پیښه شویده.

ښایی دجلب یـا دبیگار سپایان‌به راغلی وی او ملك کاکابه تهرونه او توشکی ورته راوړی وی نوداځگروی ولی ؟ ښایی علاقه دار راغلی وی . پاتی لمونځ په‌همـد سی و سـو سـو کی‌په ما باندی ډیر اوږدشو خوآخر پای‌ته ورسید . په دعا باندی‌چندانی خلك پوه نشول اوچه دعا خلاصه شوه نو ټول کلیوال راپورته شول اوتر رنځور مساپر را چاپیر شول.

پیروااکا وویل : داغریبگوټی‌تیره شپه دلویی لاری سره دکلی سموار ته رارسیدلی و او هماغلته پاتی وو خوارکی سخت رنځور دی. دسموار خاوند زه‌یی خبر کړم اوما هلکان له ځان سره‌بو تلل او دلته می راووړ .

بزگرانو په ډیر دقت دپیرو لالا خبروته غوږ ایښی و اوځیر ځیریی رنځور پردیس ته کـتل . هرچا به دپردیس په باره کی یو څه ویل او خپله تبصره به یی پی کوله ـیوازی زما پلار چوپ و او خو په سترگو کی‌یی دوه رنی اوښکی ځلیدلی .

انځروویل : خوار سپین ږیری‌دی ښایی کوم زوی به یی چیری نوکروی اودی به دهغه پوښتنی تـه ورځی.

رنگین چه یو گړندی او ځوان‌زلمی ووی ویل : ماته ښکاری چه داسړی دغریبی لپاره خان آباد ته روان دی او یوازی ژمی هلته تیروی. یوه‌سپین ږیری سړی وویل ـ یه‌داسی نده‌له کالیویی داسی ښکاری چه خرکاردی او دترکستان په خروپسی راغلی او دابه یی هم انگیرلی وی چه لدی‌خوا به مالگه پی بار کړی .

هر چاهرڅه ویل خـوده پخپلـه هیڅ‌نه‌ویل لـه‌واکه‌وتلی ؤاوپه‌ځان‌نه. پوهیده. شونډویی تور خروکی‌نیولی وو اوسترگی. یی پټی وی. پرله پسی خریده او کله به یی په‌ځگروی کی څوبی مفهومی کلمی له خولی راووتی خو معنایی چاته نه ورتله او مونږ نه پی پوهیدو ـ دغاړی رگونه‌یی جگ جگ‌الوتل‌او له بدن نه یی‌دتبی‌تاو جگیده .

دخیرنو کالیو بوی یی دجومات فضا لاپسی بدبویه کړی وه ـ یوه زړه‌او پیوندی خر جینه‌یی سرته پرته وه یوشکیدلی کوڅویی په ځان واو په یوه تور وړین پړی یی کلك په ملا باندی تړلی و ـ سترگی یی دسر په کاسه کی ښکته تللی وی او دسر خولی‌یی دخیروله کبله سوری شوی وه اودخمتا یوزوړ لنگوټی یی پـر سینه باندی ول ول را پروت ؤ .

خدایدوست اکا دجومات ملاته‌مخ راواړاوه، وی ویل: دپردیس‌حال ښه ندی، ښایی‌پورپری‌کړی. بایدده‌کالی اوپیسی خوندی شی ـ ملاو دکلی سپین ږیروته دخدایدوست اکا خبره پخه ښکاره شوه دپردیس خورجینه یی‌وپلټله‌بیایی دهغه‌له ملانه توروړین پړی خلاص‌کړچکمن یی ځینی‌ویوست دزاړه‌برکی وا سکټ ا ستر یـی په دقت وکوت بیایی دپردیس دکمیس ټنی پرا نیتی کا ته‌یی چه‌یوه کځوړه یی دتاویزه په شان ترکمیسه دلاندی په غاړه‌کی پرته ده،هغه‌یی تری‌خلاصه کړه اوودده له کالیو سره‌یی کیښوده دکځوړی په منځ‌کی یودلسو روپیو نوټ اویوڅه توری پیسی‌چه گـرد سره دوه‌نیمی روپی کیدی‌پرتی‌وی . دخورجین په یوه پله کی یی دوچی ډوډی څوټوټی یوڅه‌وچ توت اوپه‌یوه غوټه‌کی لیږ شین چای، یودنسوارو کدو یوڅوزړی ټوټی لیږخام تاراویوه ستن پیدا شول .

په بله پله کی دما شومانو یـو واسکټ اود خورو یوه غو ټه پرته‌وه او همداوه دپردیس ټوله هستی . دجومات ملامخ خلکوته راواړ او وی ویل ـ تاسی شاهدان اوسی چه داسپین ږیری نور څه نلری او همدا شیان دده ټوله هستی ده . بزگرانو دملاخبره تائید کړه او دا شهادت‌یی ومانه

(نوربیا)

(از ص‌اول)

جنگ یاصلح...

صلح به‌تارموئی آویخته است ، بر کلیه نیرو های متر قی وصلحدوست جهان است که با تمـام و سـایل دست داشته ، افکار عامه جهانیان راعلیه سیاست جنگطلبانه وماجراجو یانه امپر یالیستها و جنگهـا ی محلی آنها بسیج کنند واز طر یق وارد کردن فشار مشترك وهمکار ی نزدیك و همبستگی ، امپر یا لیز م را به عقب نشینی های مزید چه در میادین جنگ و چه‌در عرصه ها ی سیاسی و دیپلوماسی مجبور سازند و بدینصورت زمینه را برای یـک صلح عادلانه و دائمی مساعد‌نمایند. استقرار یك صلح قابل اعتما د و دوامدار ایجاب میکند که باید :

ـ بـه تعرض‌امریکا در و یتنام خاتمه داده شود .

ـ آثار تجاوز سـال گـذشتـه اسرائیل از بین برده شود .

ـ استعمار باتمام اشکال آن به طور کامل محو گردد .

ـ مداخله در امور داخلی کشور های دیگر متوقف شود .

ـ تمام نیرو های خارجی ا ز کشور های بیگانه خارج گردد .

ـ به ملتها چانس داده شود ، نظام اجتماعی شانرا بدون مداخلهٔ خارجی بسازند .

ـ گامهای مو ثر دیگر در ر ا ه خلع سلاح عام و تام به حیث‌آرمان دیرینهٔ بشری برداشته شود .

ـ ومناسبات نور مال‌بین کشور های دارای نظام های گو نا گـو ن اجتماعی و سیاسی بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز وهمکاری مفید متقابل استوار گردد.

اینست پایه‌های‌مستحکم‌استقرارصلح دایمی،اینست راه ایجاد جهان بدون جنگ و بدون سلاح ، جهان برا بری و برادری ملل وانسا نها ـ جها ن آزادی و تر قی .